

چگونگی سازماندهی سوره‌های قرآن از نگاه زرقانی در بوته نقد

امیر جودوی *

دکتری قرآن و حدیث دانشگاه یزد، یزد، ایران

مریم آسایش **

کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، میبد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷)

چکیده

زرقانی از مؤلفان برجسته در زمینه تألیف کتب علوم و تاریخ قرآنی است و از آنجا که موضوع سازماندهی سوره‌های قرآن در بین مباحث تاریخ قرآنی اهمیت ویژه‌ای دارد، پژوهش حاضر تلاش نموده که با روش تحلیلی-انتقادی به ارزیابی، نقد و بررسی نظرات وی در این زمینه پردازد و به دنبال تشخیص واقعیت باشد. ادعای زرقانی درباره توقیفی یا اجتهادی بودن سازماندهی سوره‌های قرآن در کتاب *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، تفکیکی است. وی درباره چگونگی سازماندهی همه سوره‌های قرآن ادعای واحدی ندارد و بخشی را توقیفی و بخشی را اجتهادی می‌داند و در اثبات این ادعا، بر این دلایل تکیه می‌زند: الف) پذیرش این نظریه از ناحیه بعضی عالمان بزرگ، ب) وجود روایاتی صریح در توقیفی بودن بخشی از سوره‌های قرآن و سکوت درباره بخشی دیگر و ج) وجود روایاتی معتبر درباره اجتهادی بودن بخشی از سوره‌های قرآن، اما دلایل وی به ترتیب با قوانین ذیل خدشه می‌پذیرد: ۱- نفی شخصیت‌گرایی و لزوم عرضه دلیل بر این ادعا، ۲- نفی نشدن ماعدا در اثبات یک شیء، ۳- إذا جاء الإحتمال بطل الإستدلال و ۴- إذا تعارضا تساقطاً. بر این اساس، اگر هم این ادعا درست باشد که در واقع، چنین نیست و رقیبانی قوی در کنار دارد، پشتوانه دلالتی نیرومند نیز ندارد.

واژگان کلیدی: زرقانی، *مناهل العرفان*، سازماندهی سوره‌های قرآنی، توقیفی بودن سوره‌ها، اجتهادی بودن سوره‌ها.

* E-mail: amirjoudavi@yazd.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: asaieshm@gmail.com

مقدمه

زرقانی یکی از عالمان الأزهر مصر در قرن چهاردهم هجری است که صاحب سه کتاب المنهل الحدیث فی علوم الحدیث، مناهل العرفان فی علوم القرآن و کتابی به نام بحث می‌باشد. و از آنجا که وی از مؤلفان تأثیرگذار در حوزه علوم و تاریخ قرآن است و تنقیح نظرات وی، شفافیت موضوع و وحدت رویه را در این حوزه علمی به ارمغان می‌آورد. بر آن شدیم که دیدگاه زرقانی در باب ترتیب سوره‌های قرآن را نقد و بررسی کنیم.

یادآوری می‌شود که در کتاب‌هایی چون پژوهشی در تاریخ قرآن حجتی، تاریخ قرآن معرفت، تاریخ و علوم قرآن از میرمحمدی و... به طور کلی، و در کتاب کاوشی در تاریخ جمع قرآن از ایازی و نیز مقاله «وحيانی بودن ساختار قرآن» از حسن خرقانی به طور جزئی به مبحث سازماندهی سوره‌های قرآن و گاه نیز به بیان نظر زرقانی در لابه‌لای نظرات دیگران پرداخته شده‌است، اما هیچ یک به تفصیل درباره دیدگاه زرقانی سخن نگفته، آن را به نقد نکشیده‌است و تنها بیان نظر وی مد نظر بوده‌است، ولی در این مقاله، سعی بر این است که با بیان دیدگاه زرقانی و با کنکاش در ادله و نتیجه‌گیری‌های وی، صحت و سقم نظرات وی را با دلایل عقلی و منطقی مشخص گردانیم و از آنجا که زرقانی طرفدار نظریه تفکیک است، با نقد نظرات وی در این زمینه، می‌توان به تبیین دیدگاه برتر پرداخت که می‌تواند سبب فراهم آمدن بستری برای اتفاق نظر بین مؤلفان کتب علوم و تاریخ قرآنی در بحث سازماندهی سوره‌های قرآن شود.

چنان که روشن است، اجزای قرآن عبارتند از: حروف، کلمات، آیات و سوره‌ها. هر یک از این اجزا به تناسب در کل‌های بعد از خود قرار می‌گیرند و این عبارات را ایجاد می‌کنند: ۱- حروف در کلمات. ۲- کلمات در آیات. ۳- آیات در سوره‌ها. ۴- سوره‌ها در قرآن. درباره سازماندهی هر یک از این اجزا در کل‌های مناسب خود می‌توان بحث کرد، اما دامنه بحث ما به مورد چهارم، یعنی سازماندهی سوره‌ها در قرآن اختصاص دارد. با توجه به دو دیدگاه رایج توقیفی و اجتهادی و اینکه همه قرآن یا بخشی از آن را در نظر

بگیریم، حالات منطقی چهارگانه ذیل به دست می‌آید: ۱- سازماندهی سوره‌ها فقط توقیفی باشد. ۲- سازماندهی سوره‌ها فقط اجتهادی باشد. ۳- سازماندهی سوره‌ها نه توقیفی باشد و نه اجتهادی. ۴- سازماندهی سوره‌ها هم توقیفی و هم اجتهادی باشد. حالت سوم که نفی توقیفی و اجتهادی است، طرفداری ندارد و پیشاپیش منطقیاً مردود است؛ زیرا رابطه این دو مشابه متناقض است و نفی هر دو عقلاً محال می‌باشد. اما حالات اول، دوم و حالت چهارم به نوبه خود طرفدارانی دارد. دیدگاه زرقانی در این زمینه کدام است؟ هدف این مقاله، ابتدا تبیین چستی دیدگاه زرقانی درباره نوع سازماندهی سوره‌ها در قرآن و به تبع آن، تعیین وزن ادله و نیز ارزیابی استدلال وی در این زمینه است. بر این اساس، سؤال‌های اصلی این مقاله به - ترتیب - عبارتند از:

۱- ادعای زرقانی درباره نوع سازماندهی سوره‌ها در قرآن و دلایل وی در اثبات این ادعا چیست؟

۲- میزان موفقیت زرقانی در اثبات ادعای خود و رد ادعای دیگران چقدر است؟

۱. تبیین چستی ادعای زرقانی درباره نوع سازماندهی سوره‌ها در قرآن

چنان که گفتیم، درباره نحوه سازماندهی سوره‌ها در قرآن، دو دیدگاه رایج و شایع ذیل - حداقل در سطح ادعا- وجود دارد:

۱- اجتهادی مطلق

این دیدگاه مدعی است. جایگاه تمام سوره‌ها در قرآن از سوی صحابه تعیین شده است. در مقابل این ادعا، دیدگاه دوم توقیفی^۱ مطلق است که معتقد است: «تعیین جای تمام سوره‌ها در قرآن به دستور خداوند و رسول الله (ص) بوده است و صحابه ایشان در آرایش، چینش و سازماندهی سوره‌های قرآن نقشی نداشته‌اند. در این میان، زرقانی طرفدار دیدگاهی است که به نظر وی، جمع بین دو دیدگاه پیشین است و آن را - به اصطلاح - تفکیکی می‌نامند؛ یعنی با تلفیق دیدگاه‌های قبلی مدعی است که گرچه تعیین جای بخش‌هایی از سوره‌های قرآن توقیفی بوده، اما تعیین جای برخی دیگر، اجتهادی

است. وی در مبحث نهم (قسمت «نظریات مختلف درباره ترتیب سوره‌ها») با حمایت از نظر سوم چنین می‌گوید:

«درباره ترتیب سوره‌های قرآن سه نظر وجود دارد: الف) ترتیب سوره‌های قرآن در شکل کنونی آن به دستور و ضبط پیامبر^(ص) نبوده‌است، بلکه نظم و ترتیب فعلی حاصل اجتهاد صحابه است. ب) نظم تمام سوره‌های قرآن، مانند نظم آیات، توقیفی و بر اساس راهنمایی پیامبر^(ص) صورت پذیرفته‌است و همه سوره‌ها تنها با دستور پیامبر^(ص) در مکان خاص به خود قرار گرفته‌است. ج) نظم گروهی از سوره‌ها بر اساس توقیف و دستور پیامبر^(ص) است و گروهی دیگر از سوره‌ها بر مبنای اجتهاد صحابه ترتیب یافته‌اند» (زرقانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۶).

۲. بررسی دلایل عقلی و نقلی زرقانی در اثبات این ادعا

دلیل اول وی بر این ادعای نسبتاً بزرگ (الف)، پذیرش این نظریه از سوی بعضی عالمان بزرگ است. دلیل دوم زرقانی اجمالاً وجود دو دسته روایت برای دو جور سازماندهی سوره‌های قرآن است. این دلیل از دو قسمت تشکیل می‌شود: الف) احادیثی صریحی وجود دارد مبنی بر اینکه سازماندهی بخشی از سوره‌ها قطعاً توقیفی بوده‌است، البته این توقیفی بودن همه سوره‌ها را در مصداق پوشش نمی‌دهد؛ یعنی درباره توقیفی بودن سازماندهی بخشی از سوره‌ها صراحتی نیست و مطلب مسکوت گذاشته شده‌است. ب) روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد سازماندهی بخشی از سوره‌های قرآن اجتهادی بوده‌است. بدیهی است از مجموع «الف» و «ب» می‌توان گفت سازماندهی سوره‌های قرآن هم توقیفی و هم اجتهادی بوده‌است. این یعنی تفکیکی بودن و رد اعتقاد به توقیفی و اجتهادی مطلق؛ به تعبیر دیگر، زرقانی در مواجهه با احتمالات منطقی در سازماندهی سوره‌های قرآن که یا توقیفی است یا اجتهادی، با این حالات مواجه بوده‌است: ۱- سازماندهی سوره‌ها فقط توقیفی باشد. ۲- سازماندهی سوره‌ها فقط اجتهادی باشد. ۳- سازماندهی سوره‌ها نه توقیفی باشد و نه اجتهادی. ۴- سازماندهی سوره‌ها هم توقیفی و هم اجتهادی باشد. وی چون مورد سوم را منطقاً منتفی دیده‌است و مورد چهارم را جمع بین

دو حالت اول و دوم دانسته، لذا معتقد شده که سازماندهی سوره‌های قرآن در مجموع، هم توقیفی و هم اجتهادی است. خلاصه اینکه دلیل وی بر این ادعا، قاعده‌ای است به نام «الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكَنَّ أَوْلَىٰ مِنَ الطَّرْحِ». این قاعده وقتی جاری می‌شود که بین دو دسته روایت تعارض مشاهده شود. در چنین مواردی، اگر بتوان ثابت کرد که تعارض، بدوی و ابتدایی است و قابلیت جمع وجود دارد، روایات متعارض را با هم جمع می‌کنند، اما اگر تعارض رفع‌شدنی نباشد، به طرد و طرح یکی از طرفین حکم می‌شود. از دید زرقانی، تعارض بین این دو دسته روایات، رفع‌شدنی است. وی در این زمینه می‌گوید:

«برخی عالمان بزرگ این نظریه را پذیرفته‌اند و به نظر می‌رسد که این عقیده بهترین نظر باشد؛ زیرا همچنان که در تشریح نظریه دوم آمد، احادیثی وجود دارند که توقیفی بودن نظم گروهی از سوره‌ها را تأیید می‌کنند و درباره سوره‌های دیگر ساکت هستند. از طرف دیگر، اخبار و آثاری وجود دارد که بر تنظیم و ترتیب بخشی از سوره‌ها بر اساس اجتهاد صحابه صراحت دارند» (همان: ۳۴۹).

۳. تعیین میزان موفقیت زرقانی در اثبات ادعا

جدا از تزلزل فکری و یقین نداشتن وی به ادعای خود که عبارت «به نظر می‌رسد» (ر.ک؛ همان) بیانگر آن است، برای روشن شدن هرچه بهتر بحث، به نقد و بررسی دلایل وی می‌پردازیم.

۳-۱. نقد و بررسی دلیل اول: پذیرش این نظریه از سوی برخی عالمان بزرگ

عالمان بزرگی که زرقانی نظر آنان را مبنای پذیرش خود قرار داده‌است، عبارتند از:

۱- قاضی ابومحمد ابن عطیه (۴۸۱-۵۴۲ ق.): «ترتیب بسیاری از سوره‌ها مانند «سبع طوال» و «حوامیم» و مفصل در حیات پیامبر^(ص) بوده‌است و احتمال می‌رود که ترتیب سوره‌های دیگر به امت پیامبر^(ص) تفویض شده باشد» (زرکشی، بی تا، ج ۱: ۳۲۵).

۲- «بیهقی (۳۸۴-۴۵۸ ق.) در المدخل: «قرآن در عهد رسول گرامی (ص) به همین ترتیب بود؛ چه آیات و چه سُور، مگر در سوره انفال و براءت بنا بر حدیث سابق عثمان» (سیوطی، بی تا، الف، ج ۱: ۸۹).

۳- «سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق.)»: «نظر مختار من آن چیزی است که بیهقی گفته است» (همان، ۲۰۰۲ م.: ۴۷).

در بررسی و تحلیل این نظرات می توان گفت:

الف) چنان که هویدا است، هر سه نظر، اجتهادی ضعیف و شخصی است؛ زیرا ابن عطیه از فعل «احتمال می رود» استفاده کرده است و دلیلی هم عرضه نمی کند. استدلال بیهقی نیز متکی بر سخن عثمان است و بس. سخنی که بعداً خواهیم دید، در مقابل قوت سند و متن احادیث مبنی بر توقیفی بودن سازماندهی سوره ها، تاب مقاومت و ایستادگی ندارد و سیوطی نیز در اینجا فقط مقلد و تابع است.

ب) بزرگی عالم به صرف نام نیست! عالم بزرگ فقط با دلایل روشن و بزرگ شناخته می شود. لذا قرآن وقتی می فرماید امت های دیگر صرفاً پدران و گذشتگان خود را دلیل قرار می دادند و می گفتند:

﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ﴾ (الزخرف/۲)؛ ﴿وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ﴾ (الزخرف/۲۳) و ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...﴾ (البقره/۱۷۰). در نفی نقل اقوال غلط و بدون دلیل بزرگان و گذشتگان نیز می فرماید: ﴿قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ...﴾ (الزخرف/۲۴) و ﴿... أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (البقره/۱۷۰).

ج) افزون بر این، در مقابل بزرگانی که زرقانی بدانها استناد کرده، بزرگانی دیگر با دیدگاهی مخالف وجود دارند؛ کسانی از قبیل: سید مرتضی^(ه) (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۴۵)، آیت الله خوئی^(ه) (ر.ک؛ خوئی، ۱۳۸۷: ۳۳۱)، قاضی ابوبکر ابن الأنباری

(ر.ک؛ زرکشی، بی تا، ج ۱: ۳۲۸)، کرمانی (ر.ک؛ همان: ۳۲۷)، طیبی (ر.ک؛ سیوطی، بی تا، الف، ج ۱: ۹۰)، صبحی صالح (ر.ک؛ صالح، ۱۳۷۲: ۷۳) و نیز زرکشی، ابن جزری و ابوالحسین احمدبن فارس و... (ر.ک؛ حاجی امیری، ۱۳۸۸: ۵۸).

۳-۲. نقد و بررسی دلیل دوم: وجود دو دسته روایت برای دوجور سازماندهی سوره‌های قرآن

خلاصه دلیل دوم زرقانی، قاعده «الجمع» بود. این دلیل به دلیل وجود عبارت «مهما أمکن»، قاعده‌ای مشروط است و کاربرد مطلق و همگانی ندارد؛ یعنی اگر ثابت شود که امکان جمع وجود ندارد، استفاده از این قاعده برای زرقانی کارساز نیست. البته این نکته‌ای نیست که بر زرقانی پوشیده مانده باشد. بنابراین، گفته‌است: چون از دیدگاه توقیفیون درباره بخشی از سوره‌های قرآن صراحت وجود دارد و در باب بخشی دیگر سکوت شده است و از دید اجتهادیون نیز درباره بخشی از سوره‌ها صراحت وجود دارد، پس بخش مسکوت از دید توقیفی‌ها همان بخشی است که اجتهادیون بدان معتقدند و از این رو، سازماندهی سوره‌ها هم توقیفی و هم اجتهادی است و بهتر است بگوییم: «سازماندهی سوره‌های قرآن تفکیکی است».

اما استدلال وی، گرچه به مشروط بودن، تنه دارد، می‌توان خدشه کرد و اتفاقاً در اینجا امکان جمع وجود ندارد و دیدگاه تفکیکی با این ادله و این نحوه استدلال کاربرد ندارد.

۳-۲-۱. دلیل اول برفقدان قابلیت جمع: «إِذَا جَاءَ الْإِحْتِمَالُ بَطَلَ الْإِسْتِدْلَالُ»

آنچه زرقانی از طرف توقیفی‌ها می‌گوید برداشت شخصی اوست، توقیفیون اولاً معتقدند سازماندهی همه سوره‌های قرآن توقیفی است^۲ و اصلاً درباره بخشی از سوره‌های قرآن سکوت نشده است و ثانیاً اگر از باب مماشات با خصم بپذیریم، درباره سازماندهی بخشی از سوره‌های قرآن سکوت شده، این سکوت لزوماً به معنی اجتهادی بودن سازماندهی آن‌ها نیست، آن‌ها می‌گویند با توجه به قاعده «اثبات شیء نفی ماعدا

نمی‌کند»، مقصود این بوده که چنانچه درباره بخشی از سوره‌ها روشن شد، توقیفی است درباره بقیه هم اگر تصریحی نشده است و فرضاً سکوت شده، همان حکم باقی است و سریان حکم عقلانی است؛ به تعبیر دیگر، زرقانی علت مسکوت گذارده شدن بخشی از سوره‌ها را اجتهادی بودن آن‌ها دانسته، در حالی که از نگاه توقیفیون علت آن روشن بودن حکم توقیفی درباره بخش مسکوت است، بدیهی است اگر فقط احتمال مورد نظر زرقانی بود، نتیجه و استدلال وی هم درست بود، اما با ورود احتمال جدید، استدلال و نتیجه فرق خواهد کرد و این همان استفاده از قاعده «إِذَا جَاءَ الْإِحْتِمَالُ بَطَلَ الْإِسْتِدْلَالُ» است.

۲-۲-۳. دلیل دوم بر فقدان قابلیت جمع: در تناقض قابلیت جمع دو گزاره وجود ندارد

از نگاه زرقانی چون این دو گزاره وجود دارد: «بعضی از سوره‌ها سازماندهی توقیفی دارند» و «بعضی از سوره‌ها سازماندهی توقیفی ندارند». لذا امکان جمع وجود دارد و سازماندهی سوره‌ها تفکیکی است و به تعبیر فنی، از دید زرقانی رابطه گزاره‌ها «داخل در تحت تضاد» است. بدیهی است در چنین حالتی برخلاف گزاره‌های متضاد ممکن است هر دو گزاره صادق باشد، اما محال است هر دو کاذب باشد. لذا امکان جمع وجود دارد، اما از نگاه توقیفی‌ها وضعیت گزاره‌ها این چنین است: «همه سوره‌های قرآن سازماندهی توقیفی دارد» و «بعضی از سوره‌های قرآن سازماندهی توقیفی ندارد». پس رابطه این دو گزاره با توجه به کم و کیف و نیز سلب و ایجاب، تناقض است و بدیهی است در تناقض یکی از گزاره‌ها لزوماً کذب و دیگری صدق است و امکان جمع وجود ندارد و گزاره اول صدق و دومی کذب است.

۴. تعیین میزان موفقیت زرقانی در رد ادعای دیگران

اگر در مقام ارزیابی، نقد، بررسی و تعیین نقاط قوت و ضعف عملکرد زرقانی برآیم و بخواهیم منطقه صحت و خطا را در عملکرد وی تبیین و تعیین کنیم، با توجه به آنچه

که از حالات منطقی چهارگانه گفته شد؛ یعنی: ۱. سازماندهی سوره‌ها فقط توقیفی باشد. ۲. سازماندهی سوره‌ها فقط اجتهادی باشد. ۳. سازماندهی سوره‌ها نه توقیفی باشد و نه اجتهادی. ۴. سازماندهی سوره‌ها هم توقیفی و هم اجتهادی باشد، با توجه به نادرستی حالت سوم، نقد و بررسی حالت چهارم هم از پیش، نتیجه بدین شرح است: وی در نفی حالت دوم، موفق و در نفی حالت اول، ناموفق بوده است، اینک به بررسی تفصیلی نقاط قوت و ضعف عملکرد وی در این زمینه می‌پردازیم.

۴-۱. تعیین نقطه قوت در عملکرد زرقانی: نفی دیدگاه اجتهادی مطلق

زرقانی ابتدا دلایل طرفداران اجتهادی مطلق را چنین عرضه می‌کند:

«۱) مصاحف پیش از جمع آوری قرآن در زمان عثمان از نظر نظم و ترتیب سوره‌ها با یکدیگر تفاوت داشت. اگر نظم کنونی سوره‌ها توقیفی و بر اساس نقل پیامبر (ص) بود، اصحاب مجاز به عدول از آن و اختلاف در این زمینه چنان است که در روایات آمده است. بنا بر روایات، مصحف اُبی بن کعب از سوره فاتحه آغاز می‌شد و با سوره بقره، سپس نساء و پس از آن، آل عمران و انعام ادامه می‌یافت. اما در مصحف ابن مسعود، ابتدا سوره بقره، سپس نساء و پس از آن، آل عمران... نوشته شده بود که با مصحف اُبی بن کعب اختلاف زیادی داشت. مصحف علی (ع) نیز بر اساس ترتیب نزول از سوره "اِقْرَأْ" آغاز شده بود و در پی آن، سوره‌های مدثر، ق، مزمل، تبت، تکویر و به همین ترتیب، سوره‌های مکی و آنگاه مدنی نوشته شده بودند. (۲) روایتی است که ابن‌اشته در کتاب مصاحف از طریق اسماعیل بن عباس از حباب بن یحیی و او از ابومحمد القرشی نقل می‌کند که گفت: عثمان به ایشان دستور داد تا در تدوین قرآن، سوره‌های طوال را در پی یکدیگر قرار دهند و سوره‌های انفال و توبه را جزء هفت سوره طوال قرار داد و میان این دو سوره را با "بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ" جدا نکرد» (سیوطی، بی‌تا، الف، ج ۱: ۱۷۵ و زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۳۴۶).

سپس وی در رد دلایل ایشان می‌گوید:

«می توان به استناد احادیثی که بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها دلالت دارند، در این نظر مناقشه کرد. همچنین، می توان احتمال داد که اختلاف صحابه در نظم و ترتیب سوره‌ها مربوط به زمانی بوده است که ایشان از توقیفی بودن نظم سوره‌ها اطلاع نداشته‌اند... و نیز روایت ابن عباس خاص و صرفاً منحصر در موضوع خود، یعنی سوره‌های انفال، توبه و یونس است و تعمیم آن به عنوان حکمی عام برای همه سوره‌های قرآن صحیح نیست» (زرقانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۷).

البته می توانست دلایل بهتری هم بیاورد و با مثالی ساده مطلب را تفهیم کند؛ مثلاً درباره تفاوت مصاحف صحابه، می توان به تفاوت جزوات دانشجویان از درس یک استاد اشاره کرد. مسلماً درس استاد حکیم، درسی واحد و منظم است، اما جزوات دانشجویان با توجه به شرایطی که دارند؛ از جمله حضور و غیبت در کلاس و... با آن متفاوت است. بدیهی است ملاک درست برای قضاوت، صرفاً درس و جزوه اصلی متعلق به استاد است، نه جزوات دانشجویان. ملاک در اینجا نیز مصحفی است که پشت بستر پیامبر^(ص) بوده است و علی^(ع) آن را بررسی نهایی و عرضه کرده‌اند. همچنین، عثمان در تدوین سوره‌ها فقط دستور داده بود تا سوره طوال در پی هم باشند که این دستور بر اساس دستور پیامبر^(ص) بود و لزوماً دستور شخصی وی تلقی نمی شود.

در ادامه ردّ روایات مورد استناد اجتهادی‌های مطلق، می توان اشکالات زیر را وارد کرد: تناقض در روایات اجتهادی‌های مطلق، معارضت با کتاب، خطا در معنا کردن کلمه «جمع»، دلیل عقلی بر بطلان اجتهادی بودن همه سوره‌ها و مخالفت با اجماع مسلمانان که البته این اشکالات در جای خود شایسته بررسی و تشویق است.

۲-۴. تعیین نقطه ضعف در عملکرد زرقانی

۲-۴-۱. نفی دیدگاه توقیفی مطلق

۲-۴-۱-۱. عرضه نکردن دلیل بر ظنی بودن روایات توقیفی‌ها و نداشتن

نظری قاطع درباره رد یا پذیرش اجماع

زرقانی در ردّ دلایل توقیفی‌های مطلق، علاوه بر آنچه قبلاً بدان پرداختیم، می گوید:

«... همچنین، روایات مذکور بر اثبات توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها دلالتی ظنی دارند... اجماعی که صاحبان این نظریه بدان استناد می‌کنند، بر توقیفی بودن نظم تمام سوره‌ها دلالت ندارد؛ زیرا اجماع در ترتیب همه سوره‌ها مستند به نص نیست، بلکه صرفاً مفید این معناست که صحابه به دلیل وحدت دادن به امت و ریشه کن ساختن نزاع و فتنه بر ترتیب سوره‌ها مطابق مصحف عثمان اجماع کردند و از مصاحف و آرای خود به نفع آن دست شستند» (زرقانی، ج ۱: ۳۴۹).

چنان که می‌بینید، وی در ظنی دانستن روایات توقیفی‌ها فقط به ادعا بسنده کرده است و هیچ نکته‌ای بدان نیفزوده است و در باب اجماع نیز رویه‌ای واحد ندارد؛ یعنی اجماع را در یک جا می‌پذیرد و در جای دیگر رد می‌کند. البته ناگفته نماند، اینکه اجماع را به این دلیل نپذیرفته که مستند به نص نیست و صرفاً مفید این معناست که صحابه به دلیل وحدت دادن به امت و ریشه کن کردن نزاع و فتنه بر ترتیب سوره‌ها مطابق مصحف عثمان اجماع کردند و از مصاحف و آرای خود به نفع آن دست شستند، کار خوبی است؛ زیرا نفی اجماع نیست و صرفاً نفی کثرت‌گرایی است، اما اگر ادعای اجماع، پذیرش بر مبنای علم به دستور پیامبر^(ص) باشد و وی در مقام نفی آن باشد، البته وضعیت فرق می‌کند. افزون بر این، الف) خود وی در قسمت ترتیب آیات، اجماع بر توقیفی بودن ترتیب آیات را می‌پذیرد و در آن جایی برای رأی و اجتهاد نمی‌بیند (ر.ک؛ همان: ۳۳۹). ب) همچنین، وی می‌گوید:

«بنا بر تواتر و اجماع، آنچه در حال حاضر به نام قرآن میان دو جلد است، کتاب خداست. در آن، هیچ فزونی و کاستی نیست و کمترین تغییر و تبدیل در آن راه نیافته است و می‌دانیم که تواتر یکی از راه‌های مطمئن علم و یقین است و اجماع یکی از استوارترین راه‌های حق به شمار می‌رود. بعد از حق جز گمراهی چیست؟» (همان: ۲۷۴).

۲-۱-۴-۲. پذیرش دلایل توفیقی‌ها در یک جای کتاب خود و نفی آن در جای دیگر

الف) وی در مبحث ۸ (قسمت «پاسخ به شبهه‌هایی درباره جمع آوری قرآن») در اثبات تحریف نشدن قرآن به کم و زیاد بسیار می‌کوشد (ر.ک؛ همان: ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۸ و ۳۲۹).

ب) در مبحث سوم (قسمت ۲: «مراحل نزول قرآن؛ حکمت‌ها و اسرار نزول تدریجی قرآن، حکمت چهارم»)، وی این سؤال را مطرح می‌کند: «علی‌رغم اینکه قرآن نه یکجا، بلکه به صورت پراکنده و متفرق و به تناسب حوادث و رویدادها در طول بیش از بیست سال نازل شده‌است، چگونه مطالب آن چنین هماهنگی اعجاز‌آفرینی یافته‌اند؟». در پاسخ آن نیز می‌گوید:

«... این دلیل همان کلام خداوند واحد است که می‌فرماید: ﴿... وَ تَوْ كَان مِّنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (النساء/۸۲)، وگرنه یک تن و یا حتی همه مردمان چگونه می‌توانند کتابی فراهم آورند که اجزای آن از اتصال و ارتباطی محکم با هماهنگی و بافتی متین و آغاز و پایانی پیوسته برخوردار باشد... بی‌شک این انفصال زمانی و آن اختلاف میان انگیزه‌ها عادتاً مستلزم پراکندگی و جدایی مفاهیم است و مجالی برای ارتباط و اتصال میان بخش‌های مختلف چنین کلامی باقی نمی‌گذارند. اما قرآن در این عرصه نیز خرق عادت کرده‌است... به‌علاوه، هنگامی که آیه یا آیتی بر رسول خدا^(ص) نازل می‌شد، می‌فرمود: «آن را در فلان جا از بهمان سوره قرار دهید»، در حالی که پیامبر^(ص) فردی از افراد انسان بود و طبعاً نمی‌توانست دریابد روزگار چه حادثی را برای او رقم خواهد زد و... چه برسد به اینکه بداند در آینده چه آیتی بر او نازل خواهد شد... و در پایان، بعد از گذشت این سالیان دراز، قرآن به اتمام رسید، در حالی که محتوای آن از نظم، انسجام، تلائم و هماهنگی برخوردار بود و نه تنها کمترین نقص و تعارضی در آن پدید نیامد، بلکه با انسجام، وحدت و همبستگی مطالب خود همه خلق را از آوردن نظیر آن ناتوان ساخت...» (همان: ۷۲-۷۳).

بیان اول و نیز این بیان اخیر به ترتیب به مباحث تحریف‌ناپذیری و وجهی از وجوه قرآن با عنوان «کیفیت تشکل و هماهنگی اجزاء» ربط دارند و هر دو بر توفیقی دانستن سازماندهی همه سوره‌های قرآن مبتنی هستند.

ج) بعد از بیان نظریه دوم درباره ترتیب سوره‌ها به دو نمونه از روایات توفیقی‌ها اشاره می‌شود:

۱- ابو جعفر نحاس این نظر را تأیید کرده است و می‌گوید: «نظر مقبول آن است که جمع آوری سوره‌ها به ترتیب کنونی از رسول خدا^(ص) است و دلیل آن، روایت واثله است که طبق آن، پیامبر^(ص) می‌فرماید: "به جای تورات، سوره‌های هفتگانه طوال به من عطا شد"^۲ (شیبانی، ۱۴۲۱ق.، ج ۴: ۱۰۷؛ طبری، بی‌تا، ج ۱: ۳۴ و بیهقی، بی‌تا، ج ۵: ۴۷۵)» (زرکشی، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۶).

۲- ابن‌اشته در کتاب مصاحف از طریق ابن‌وهب از سلیمان‌بن بلال نقل می‌کند که گفت:

«شنیدم که از ربیعہ پرسیدند: چرا بقره و آل‌عمران بر سوره‌های دیگر مقدم داشته شده، در حالی که این دو در مدینه نازل گردیده‌اند و قبل از آنها هشتاد و چند سوره در مکه نازل شده است؟ گفت: این دو قبل از سوره‌های دیگر قرار داده شده‌اند و تنظیم قرآن بر اساس علم کسی است که آن را ترتیب داده است. تا آنجا که گفت نظم قرآن امری است که به او باز می‌گردد و او مورد سؤال قرار نمی‌گیرد» (سیوطی، بی‌تا، الف، ج ۱: ۱۷۸ و ر.ک؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۳۴۸).

بنابراین، نه تنها ترتیب سوره‌های مشخصی از قرآن، بلکه ترتیب تمام سوره‌های قرآن را توفیقی می‌داند و با آنکه زرقانی خود این روایات را ذکر نموده، از توجه به آنها غفلت کرده است.

۲-۴-۲. اختلاف نظر در مصداق سوره‌های نظریه تفکیک

زرقانی طرفدار نظریه‌ای است که طرفداران آن حتی در تعیین مصداق سوره‌هایی که ترتیب آن‌ها اجتهادی است، نظری واحد ندارند؛ چنان‌که زرقانی پس از پذیرش نظر سوم می‌گوید:

«اما طرفداران این نظریه درباره اینکه نظم کدام سوره‌ها توقیفی است و ترتیب کدام سوره‌ها بر اساس اجتهاد صحابه صورت پذیرفته است، با یکدیگر اختلاف دارند. قاضی ابومحمد بن عطیه می‌گوید: نظم بسیاری از سوره‌ها مانند سوره‌های طوال، حوامیم و مفصل در زمان حیات پیامبر^(ص) مشخص شده است و نظم و ترتیب سایر سوره‌ها احتمالاً به امت تفویض شده است. ابوجعفر بن زبیر می‌گوید: به شهادت آثار و اخبار، سوره‌هایی بیشتر از آنچه ابن عطیه نام برده، در زمان حیات رسول خدا^(ص) تنظیم شده است و تنها درباره ترتیب تعداد اندکی از سوره‌ها ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد. از جمله اخباری که این نظر را تأیید می‌کند، عبارت است از این فرموده رسول خدا^(ص): بر شما باد خواندن زهراوین: بقره و آل عمران (نیشابوری، بی تا، ج ۱: ۸۰۴)؛ و مانند حدیثی که ابن شیبه در مصنف خود از سعید بن خالد روایت می‌کند که گفت: پیامبر^(ص) سوره‌های هفتگانه طوال را در یک رکعت خواند (ابن ابی شیبه، بی تا، ج ۲: ۱۲). بخاری نیز از ابن مسعود نقل می‌کند که گفت: رسول خدا^(ص) درباره سوره‌های بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه و انبیاء فرمود: آن‌ها از نخستین سوره‌ها هستند که دریافت کرده‌ام (بخاری، بی تا، ج ۱: ۴۷۰۸).^۵ در این حدیث، پیامبر^(ص) سوره‌ها را به ترتیبی که در مصحف وجود دارند، ذکر فرموده است...» (زرقانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۹-۳۵۰).

چنان‌که مشخص و روشن است، زرقانی طرفدار نظریه‌ای است که هر یک از طرفدارانش به سویی رفتند که با دیگری متفاوت است و این خود دلیل ضعف نظریه پذیرفته زرقانی است.

نتیجه‌گیری

زرقانی در باب سازماندهی سوره‌ها در قرآن مدعی دیدگاه تفکیکی است. وی گزاره‌های موجود درباره سازماندهی سوره‌های قرآن از نگاه توقیفی‌ها و اجتهادی‌ها را به گونه‌ای مطرح می‌کند که بتواند به راحتی از قاعده «الجمعُ مَهْمَا أَمَّكَنَ أَوْلَىٰ مِنَ الطَّرْحِ» در رفع تعارض بدوی و ابتدایی موجود سود ببرد، اما در حقیقت، گزاره‌های موجود در این زمینه بیانگر تعارضی رفع‌ناشدنی هستند. لذا به دلیل مواجهه با تناقض و فقدان شرایط جمع و نیز استفاده از قوانین «إِذَا جَاءَ الْإِحْتِمَالُ بَطَلَ الْإِسْتِدْلَالُ» و «إِذَا تَعَارَضَا تُسَاقِطَا» این قاعده در اینجا کاربرد ندارد. بنابراین، بررسی اهم دلایل زرقانی نشان می‌دهد که وی چقدر در اثبات ادعای خود ناتوان است و نفی دیدگاه اجتهادی مطلق از سوی وی تنها نقطه قوت عملکرد اوست.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از توقیف:

الف) «توقیف، موقوف، موقوفه، از ماده وقف» (ابن فارس، بی تا، ج ۶: ۱۳۵) و در لغت به معنای ایستادن تا یک حد معین به کار می‌رود و احياناً به معنای چیزی که حدود ابتدا و انتهای آن در لوح محفوظ معین شده است و آنگاه تغییر و جابه‌جا شده باشد، به کار رفته است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۳۰). در فرهنگ اسلامی، «این کلمه در اموری استعمال می‌شود که انتساب آن را دقیقاً به شرع و خداوند نشان دهد و مرز نهایی آن به وحی رسیده باشد» (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۱).

ب) «توقیف در اصطلاح علوم قرآنی به این معناست که آیا آنچه از قرآن به ما رسیده، از نظر نظم کلمات و ترتیب آیات و چینش سوره‌ها، چیزی است که پیامبر^(ص) فرموده است و به دستور خداوند بوده است؟ یا اینکه نظم کلمات در یک آیه به دستور خداوند بوده، اما جمع و ترتیب قرآن پس از پیامبر^(ص) به اجتهاد صحابه حضرت^(ص) انجام گرفته است و اصولاً در ترتیب سوره‌ها از سوی پیامبر^(ص) دستوری نرسیده است» (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۲).

۲. دلایل نقلی و عقلی توفیق‌یون همه سوره‌ها را در بر می‌گیرد؛ از جمله می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

الف) نیشابوری به نقل از ابن عباس گفته است: «پیامبر (ص) پس از نزول هر سوره، کاتب وحی را احضار، و به او می‌فرمود: این سوره را در فلان محل قرار دهید» (فیض کاشانی، ۱۳۱۲ق.: ۱۳۰ و سیوطی، بی‌تا، ب، ج ۱: ۱۰۵).

ب) ابی‌بن کعب می‌گوید:

«رسول خدا (ص) مرا احضار کرد و فرمود: جبرائیل مرا مأمور ساخت که به تو درود و تهنیت گفته، قرآن را بر تو بخوانم. ابی عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد! مرا به ثواب و فضیلت قرآن آگاه فرما. رسول خدا (ص) به بیان ثواب قرائت سُور می‌پردازد و از سُوره "فاتحه" آغاز فرموده است و به ترتیب ثواب قرائت سوره‌ها را تا آخرین سوره (ناس) ذکر می‌کند» (شیبانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۵۷).

۳. أُعْطِیْتُ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ الطُّوَالَ.

۴. إِقْرَأُوا الزَّهْرَ أَوْ بِنِ: الْبَقْرَةَ وَ آلِ عِمْرَانَ.

۵. إِنَّهُنَّ مِنَ الْعِتَاقِ الْأَوَّلِ وَ هُنَّ مِنْ تَلَادِي.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن ابی شیبیه، عبد الله بن محمد. (بی‌تا). *المصنف*. تحقیق حیب الرحمن الأعظمی. ج ۲. مکه: المكتبة الإمدادیة.

ابن فارس، احمد. (بی‌تا). *مقاییس اللغة*. ج ۶. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ایازی، محمدعلی. (۱۳۷۸). *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*. ج ۱. قم: کتاب مبین.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی‌تا). *صحیح*. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر.

بیهقی، احمد بن حسین. (بی‌تا). *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة*. تحقیق

عبدالمعطی قلعجی. ج ۵. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- حاجی امیری، شهربانو. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر کیفیت چینش آیات و سوره‌ها در قرآن». *بینات*. س ۱۶. ش ۳ (پیاپی ۶۳). صص ۷۹-۵۸.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *البيان في تفسير القرآن*. ترجمه سید جعفر حسینی. ج ۲. بی جا: دارالثقلین.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). *مناهل العرفان في علوم القرآن*. ترجمه محسن آرمین. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زرکشی، محمدبن عبدالله. (بی تا). *البرهان في علوم القرآن*. تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشی. ج ۱. بیروت: دارالمعرفة.
- سیوطی، جلال‌الدین. (بی تا). الف. *الإتقان في علوم القرآن*. تحقیق ابوالوفاء الأفعانی. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _____ . (بی تا). ب. *الدراالمشور*. ج ۱. طهران - کاظمین: المكتبة الإسلامية و المكتبة الجعفری - دارالکتب العراقیة.
- _____ . (۲۰۰۲ م.). *أسوار توتیب القرآن*. تحقیق مرزوق علی ابراهیم. ج ۱. مصر: دار الفضیلة للنشر والتوزیع والتصدیر.
- شیبانی، احمدبن محمد. (۱۴۲۱ ق.). *مسند الإمام احمد بن حنبل و بهامشه منتخب كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال*. ج ۱ و ۵. ج ۱. بیروت: دارصادر.
- صالح، صبحی. (۱۳۷۲). *مباحث في علوم القرآن*. قم: الشریف الرضی.
- طبری، محمدبن جریر. (بی تا). *جامع البيان في تفسير القرآن*. ج ۱. بیروت: طبع بولاق، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تحقیق احمد حسینی اشکوری. ج ۵. تهران: مکتبة المرتضویة.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۳۱۲ ق.). *علم اليقین*. تهران: بی نا.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۵). *تلخیص التمهید*. ج ۱. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نیشابوری، مسلم بن الحجاج. (بی تا). *صحیح*. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

